

# چالش‌های جرم‌زدایی و راه‌های برون‌رفت از آن

محمد غفاری\* - دکتر رحیم نوبهار\*\*

## چکیده:

جرم‌زدایی به دلیل برخورداری از مبانی فلسفی - اخلاقی در نوع نظام‌های حقوقی در چهارچوبی موردپذیرش قرار گرفته است. با این حال چالش‌هایی که جرم‌زدایی با آن مواجه است کمتر موردتوجه قرار گرفته‌اند. این مقاله ضمن دفاع از جرم‌زدایی در چهارچوبی معقول تلاش کرده است چالش‌های پیش روی جرم‌زدایی را واکاوی نماید. جرم‌زدایی با چالش‌هایی مانند آسیب به حقوق بزه‌دیدگان و متهمان، خطر شیوع و عادی شدن رفتار جرم‌زدایی‌شده، تحمیل هزینه سنگین طرح دعوای حقوقی به قربانی، ناسازگاری جرم‌زدایی با فرهنگ حاکم بر جامعه و نگرانی از ناکارایی رویکردهای جایگزین جرم‌انگاری و دشواری انتخاب دیگر شیوه‌های کنترل اجتماعی از میان طیف وسیع کنترل‌های اجتماعی روبه‌روست. برابر یافته‌های این پژوهش، می‌توان با پیش‌بینی تضمین‌های غیرکیفری برای حمایت از بزه‌دیدگان و تعمیم حقوق موضوع دادرسی عادلانه به قوانین غیرکیفری، ضمن ارتقای فضیلت و اخلاق در جامعه بر این‌گونه مشکلات چیره شد و درنهایت به نفع جرم‌زدایی از جرایم غیرضرور نظر داد.

## کلیدواژه‌ها:

جرم‌زدایی، کنترل اجتماعی، موضوعات کیفری، حقوق بزه‌دیده، حقوق متهم.

مجله پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، شماره ۱۵، نیمسال اول ۱۳۹۹  
صفحه ۳-۴۳، تاریخ وصول: ۱۳۹۸/۰۷/۱۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۲۹

\* دانشجوی دکترای حقوق کیفری و جرم‌شناسی، گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب، تهران، ایران  
Email: mohammad\_ghaffari@pnu.ac.ir

\*\* دانشیار دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران، نویسنده مسئول  
Email: r-nobahar@sbu.ac.ir

## مقدمه

جرمانگاری افراطی هم منافی آزادی و کرامت انسان است و هم هزینه سرسام‌آوری از حیث مادی، معنوی و روانی بر جامعه و شهروندان تحمیل می‌نماید. یک حکومت مطلوب باید با تعیین محدوده مجاز مداخله در آزادی شهروندان، ضمن تلاش برای حفظ حقوق قربانیان جرم، مانع فدا شدن آزادی به نفع نظم و امنیت گردد؛ نتیجه پیروی از این رویکرد، روی آوردن به راهکارهای کاهنده مداخله در آزادی‌های شهروندان همچون جرم‌زدایی، با هدف نیل به توسعه قضایی از رهگذر ایجاد تغییر در قوانین<sup>۱</sup>، سبک کردن بار نظام عدالت کیفری و توزیع کارکردهای آن در میان نظام‌های دیگر همچون حقوق مدنی، اداری و انضباطی است.

باری در راستای محدود کردن اختیار دولت در اعمال ضمانت‌اجراها و تضمین عدم‌اجرای بدون ضرورت و غیرانسانی آنها، یکی از رهیافت‌ها، «کاهش توسل به کیفری‌سازی هنجارها با تأکید بر آزادی و کرامت انسانی و نقد ضمانت‌اجراهای کیفری است»<sup>۲</sup> جرم‌زدایی که مبتنی بر پیش‌فرض وضعی بودن قانون است<sup>۳</sup> بر دو پایه مهم بی‌نیازی به اعمال کیفر و امکان کنترل غیرکیفری استوار است.<sup>۴</sup> فرایند جرم‌زدایی از سال ۱۹۶۰ در اروپا و اغلب کشورها با مبانی متعددی از جمله دفاع از کرامت انسانی<sup>۵</sup>، همسویی با مقتضیات زمان و مکان و تغییرات جوامع<sup>۶</sup>، عدم‌دخال یا دخالت حداقلی حقوق کیفری در حوزه اخلاق در سایه حق بر مجازات نشدن<sup>۷</sup>، افزایش حقوق و آزادی‌های عمومی<sup>۸</sup> و به‌رسمیت شناختن حریم خصوصی و لزوم

۱. رجب گلدوست جویباری، «توسعه قضایی و حقوق متهمان» در تازه‌های علوم جنایی (مجموعه مقاله‌ها)، به اهتمام علی‌حسین نجفی ابرنآبادی (تهران: میزان، ۱۳۹۲)، ۶۴۵.

۲. ولی‌الله صادقی، کیفرزدایی در ایران (نظریه و رویه) (تهران: مجد، ۱۳۹۷)، ۲۲.

۳. مهدی کاظمی جویباری، «تحلیل اقتصادی راهبرد پس‌روی کیفری» در دانشنامه علوم جنایی اقتصادی، به اهتمام استادان و پژوهشگران علوم جنایی سراسر کشور (تهران: میزان، ۱۳۹۶)، ۱۷۳.

۴. فیروز محمودی جانکی، «جرم‌زدایی به‌منزله یک تغییر»، مجله تحقیقات حقوق خصوصی ۳۸ (۱۳۸۷)، ۳۲۱.

۵. سعید قماش، کرامت انسانی و نقش آن در جرم‌انگاری (تهران: میزان، ۱۳۹۳)، ۲۱۰.

۶. حسین میرمحمدصادقی و محمد احمدی، «قلمرو جرم‌انگاری و جرم‌زدایی»، دوفصلنامه گفتمان حقوقی ۱۴ (۱۳۹۶)، ۲۷-۲۵.

۷. محمد شمعی و سارا شهباز، جرم‌انگاری حداکثری (تهران: جنگل، ۱۳۹۴)، ۱۷۳.

۸. محمدعلی بابایی، میثم غلامی و فاطمه‌السادات هاشمی دمنه، «ارزیابی سیاست جرم‌زدایی قانون برنامه پنجم توسعه در قانون مجازات اسلامی»، مجله آموزه‌های حقوق کیفری ۸ (۱۳۹۳)، ۱۱۸.

اجتناب از دخالت کیفری در این حوزه مورد پذیرش واقع شده است. در برخی کشورها به لحاظ فقدان شرایط لازم برای جرم‌انگاری، اقدام به جرم‌زدایی از جرایم راهنمایی و رانندگی فاقد ویژگی خشونت‌آمیز نموده‌اند.<sup>۹</sup> جرم‌زدایی از جرایم بدون بزه‌دیده همچون ولگردی و تکدی‌گری به دلیل عدم مخالفت با ارزش‌ها و هنجارهای اساسی جامعه<sup>۱۰</sup> و جرم‌زدایی برای هماهنگی با آرمان‌های قانون اساسی<sup>۱۱</sup> نیز نمونه دیگری از جرم‌زدایی‌هاست. انحراف‌های اجتماعی از قبیل خودکشی و شروع به خودکشی به لحاظ برآورده نکردن اهدافی مانند سزادهی، ارباب و اصلاح بزه‌کار<sup>۱۲</sup> نیز مقصد دیگر جرم‌زدایان بوده است. در برخی کشورها از خشونت خانوادگی با هدف کاهش زندانیان مشمول جرم‌زدایی شده است.<sup>۱۳</sup> سقط جنین از دیگر مواردی است که در برخی کشورها با وجود مخالفت‌های فراوان مشمول جرم‌زدایی قرار گرفته است<sup>۱۴</sup>؛ برخی جرایم حوزه کسب‌وکار نیز در راستای تنظیم بازار کسب‌وکار از طریق رویه‌های سالم رقابتی و قواعد دقیق تجاری مشمول جرم‌زدایی قرار گرفته‌اند.<sup>۱۵</sup> همسو با تلاش دولت‌ها برای مصونیت شهروندان از ابتلا به بیماری‌هایی همچون ایدز و کاستن آمار مرگ‌ومیر ناشی از مصرف غیربهداشتی مواد مخدر، استفاده شخصی از مواد مخدر کم‌خطر در برخی کشورها جرم‌زدایی شده است.<sup>۱۶</sup> البته انگیزه‌های دیگری همچون مقابله با بازار سیاه و

9. Jordan Blair Woods, "Decriminalization, Police Authority, and Routine Traffic Stops," *UCLA Law Review* 62 (2015): 680; Edwin L. Baker, *Decriminalization of Non Serious Offenses* (Honolulu, Hawaii: Legislative Reference Bureau, 2005), 7, <http://www.hawaii.gov/lrb> (Last Accessed 2019/16/2).

۱۰. اسماعیل‌های‌تبار و عادل علیپور، «جرم‌زدایی از جرایم ولگردی و تکدی‌گری»، *مجله آموزه‌های حقوق کیفری* ۷ (۱۳۹۳)، ۱۲۷.

۱۱. جواد محمودی، «قضازدایی و جرم‌زدایی از منظر قانون اساسی و حقوق اداری»، *مجله تخصصی الهیات و حقوق* ۱۹ (۱۳۸۵)، ۱۱۵.

۱۲. جعفر کوشا و آذر علی‌نژاد، «تحریک به خودکشی؛ جرم‌انگاری یا جرم‌زدایی»، *مجله تحقیقات حقوقی* ۶۴ (۱۳۹۲)، ۱۵۱؛ همچنین نک:

Deborah Kahn and David Lester, "Efforts to Decriminalize Suicide in Ghana, India and Singapore," *Sociology Online; Open Access Journal* 4 (2013): 96-104; Rashid Tanjir Soron, "Decriminalization Suicide in Bangladesh," *Asian Journal of Psychiatry* (2019), Received 20 December 2018, 1876-2018/c 2018 elsevier b.v. 92-91.

13. Nerses Isajanyan, "Russian Federation: Decriminalization of Domestic Violence," (The Law Library of Congress, Global Legal Research Center, 2017), 2.

۱۴. مجتبی جعفری، *جامعه‌شناسی حقوق کیفری (رویکرد انتقادی به حقوق کیفری)* (تهران: نشر میزان، ۱۳۹۲)، ۲۸۹-۲۸۸.

۱۵. عیسی بنی‌نعیمه و اکبر وروایی، «جستاری بر راهبردهای کنترل کیفری جرایم حوزه کسب‌وکار»، *مجله مطالعات حقوقی* ۲ (۱۳۹۷)، ۵۶.

۱۶. سید رضا احسان‌پور و سید محمدرضا احسان‌پور، «توجیهات جرم‌زدایی از مصرف مواد مخدر آرام؛ مطالعه

پیامدهای مالی ناروای آن، تلاش برای صرف نیروی سیستم قضایی در موارد مهمتر از مصرف مواد مخدر و کاهش هزینه‌های اختصاص داده‌شده به مقابله با مصرف مواد مخدر<sup>۱۷</sup> نیز در پشت این جرم‌زدایی‌ها نهفته است.<sup>۱۸</sup> در برخی کشورها فقط مواد مخدر سبک و آرام مشمول این فرایند قرار گرفته‌اند تا از رهگذر جرم‌زدایی آنها امکان کنترل مواد مخدر سخت و خطرناک فراهم شود.<sup>۱۹</sup> جرم‌زدایی از مصرف ماری‌جوانا با انگیزه خوش‌گذرانی از سال ۲۰۱۲ در ایالت‌هایی همچون کلرادو، واشینگتن و کانایس<sup>۲۰</sup> به‌خاطر برخی خواص درمانی<sup>۲۱</sup>، حمل میزان ناچیز ماری‌جوانا توسط نوجوانان<sup>۲۲</sup> در راستای مقابله با تراکم کاری دادگستری و تلاش برای کاهش هزینه‌های سیستم قضایی به‌لحاظ فراوانی افراد درگیر نظام عدالت کیفری از این نوع موارد هستند.<sup>۲۳</sup> درنهایت برخی انگیزه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و جرم‌شناختی همچون کاهش هزینه سیستم قضایی، پرهیز از برجسب مجرمانه زدن به شمار بیشتری از شهروندان<sup>۲۴</sup>، مقابله با تورم کیفری<sup>۲۵</sup>، تلاش برای جلوگیری از دین‌گریزی و برآیند شهروندان از آموزه‌های دینی در جرم‌زدایی نقش داشته‌اند.

نظر به اهمیت و ضرورت جرم‌زدایی در این باره در دهه‌های اخیر پژوهش‌های گسترده‌ای در سطح داخلی و خارجی صورت گرفته است. میرمحمدصادقی و احمدی در مقاله «قلمرو جرم‌انگاری و جرم‌زدایی» در سال ۱۳۹۶، در سایه جهانی شدن و جلوگیری از تنفر افکار عمومی از اسلام، جرم‌زدایی به‌ویژه در حوزه تعزیرات را بهترین نوش‌دارو قلمداد نموده‌اند.

تطبیقی در حقوق کیفری هلند و ایالات‌متحده آمریکا»، *مجله فصلنامه حقوق پزشکی* ۳۹ (۱۳۹۵)، ۱۷۴-۱۷۲.

17. Alex Kreit, "The Decriminalization Option: Should States Consider Moving from a Criminal to a Civil Drug Court Model?," *University of Chicago Legal Forum* (2010): 309.
  18. Rebecca Jesseman and Doris Payer, "Decriminalization: Options and Evidence," (Canadian Center on Substance Use and Addiction, 2018), 2.
  ۱۹. سعید نظری توکلی و سید رضا احسان‌پور، «بررسی مبانی فقهی جرم‌زدایی از مصرف مواد مخدر آرام»، *فصلنامه فقه پزشکی* ۲ (۱۳۸۹)، ۱۲۰.
  20. German Lopez, "Marijuana Has Been legalized in 10 States and Washington D.C.," Updated Jun 25, 2019, [www.vox.com/identities/2018/8/20/17938336](http://www.vox.com/identities/2018/8/20/17938336) (Accessed 2019).
  21. Charles Nesbitt and Stephen Acquario, "Making Marijuana Legal in New York State," (2019), 2-14. Accessed January 2019, [www.nysac.org](http://www.nysac.org).
  22. Andrea L Dennis, "Decriminalizing Childhood," *Fordham Urban Law Journal* 45(1) (2017): 1-44.
  23. Wayne Hall and Jayne Lucke, "Drug Decriminalization and Legalization," in *Interventions for Addiction* (2013), 689, <http://dx.doi.org/10.1016/b978-0-12-398338-1-00070-1>.
  24. Erik Luna, "Prosecutorial Decriminalization," *Journal of Criminal Law and Criminology* 102(3) (2012): 787, <https://scholarlycommons.law.northwestern.edu/jclcl/vol102/iss3/8>.
۲۵. محمد شمعی، *درآمدی بر جرم‌انگاری و جرم‌زدایی* (تهران: جنگل، ۱۳۹۲)، ۶۳.

هادی تبار و علی‌پور در مقاله «جرم‌زدایی از جرایم ولگردی و تکدی‌گری» در سال ۱۳۹۳، در راستای مقابله با تورم کیفری و پیامدهای منفی آن و غیرضرور بودن جرم‌انگاری این رفتارها، از جرم‌زدایی حمایت کرده‌اند. یآوری در مقاله «از حقوق کیفری تا قلمرو کیفری» در سال ۱۳۹۴، به امکان‌سنجی استفاده از تضمینات کیفری در دادرسی منصفانه به رسیدگی‌های شبه‌کیفری پرداخته و از تعمیم این تضمینات به رویکردهای غیرکیفری در رویه دیوان اروپایی حقوق بشر سخن به‌میان آورده است. کوشا و آذرنژاد در مقاله «تحریک به خودکشی؛ جرم‌انگاری یا جرم‌زدایی» در سال ۱۳۹۲، با اشاره به اینکه حیات و مرگ از مصادیق حریم خصوصی انسان‌ها محسوب می‌شوند و از سوی دیگر، خودکشی و شروع به خودکشی چندان ضرری به دیگران وارد نمی‌آورد بر جرم‌زدایی در این حوزه تأکید ورزیده‌اند. احسان‌پور و احسان‌پور در مقاله «توجهات جرم‌زدایی از مصرف مواد مخدر آرام؛ مطالعه تطبیقی در حقوق کیفری هلند و ایالات‌متحده آمریکا» در سال ۱۳۹۵، با تکیه بر مبانی حقوق بشری از قبیل توجه به حریم خصوصی و به‌لحاظ سودمند نبودن و ضرورت نداشتن جرم‌انگاری این قبیل موارد از جرم‌زدایی از استعمال این مواد حمایت نموده‌اند. بنی‌نعیمه و وروایی در سال ۱۳۹۷ مقاله‌ای نگاشته‌اند با عنوان: «جستاری بر راهبردهای کنترل کیفری جرایم حوزه کسب‌وکار». آنان با تأکید بر تأثیر مثبت مؤلفه‌های غیرکیفری نسبت به مؤلفه‌های کیفری، از کاربرد حداقلی حقوق کیفری در حوزه کسب‌وکار حمایت نموده‌اند. وروایی و همکاران در مقاله «تأثیر اخلاق بر جرم‌انگاری و جرم‌زدایی در نظام جمهوری اسلامی ایران» در سال ۱۳۹۳، با تأکید بر اخلاق لیبرال از غیراخلاقی بودن توسعه غیرضروری جرم‌انگاری در حوزه اخلاقی به‌لحاظ ناکارآمدی رویکرد کیفری در پیشگیری از جرم و ترویج اخلاق در جامعه سخن گفته‌اند.

در سطح بین‌المللی، گری در مقاله‌ای در سال ۲۰۱۵ با عنوان «تکنولوژی و کنترل اجتماعی»، ضمن تبیین انواع رویکردهای کنترل اجتماعی، شش استراتژی مهم برای کنترل رفتار شهروندان ارائه نموده و بر نقش جایگزین‌های کیفری، آموزش و ارتقای سطح فرهنگی به‌جای جرم‌انگاری تأکید ورزیده است. مجوسف و میرکوفسکی در مقاله «آزادی بیان و جرم‌زدایی از افتراء در جمهوری مقدونیه» در سال ۲۰۱۷، ضمن تأکید بر اینکه آزادی بیان از مهم‌ترین حقوق سیاسی - مدنی شهروندان محسوب می‌شود، در راستای پیشرفت جامعه بشری بر جرم‌زدایی از جرایمی که سبب تحدید آزادی‌های شهروندان در این حوزه‌ها می‌شوند، تأکید ورزیده است. جونا لمپ در مقاله «جرایم جنسی بدون بزه‌دید، مطالعه موردی جرم‌زدایی از جرایم جنسی مبتنی بر رضایت» در سال ۲۰۱۳، بر جرم‌زدایی از جرایم جنسی

همراه با رضایت در میان افراد بزرگسال به لحاظ لزوم عدم مداخله حکومت در حریم خصوصی شهروندان تأکید ورزیده است. گروتزا و همکاران در مقاله «جرم‌زدایی از کانابیس، با مطالعه موردی درخصوص سیاست جدید اتخاذی در میان پنج ایالت آمریکا» در سال ۲۰۱۸، در یک مطالعه آماری درباره جرم‌انگاری و جرم‌زدایی از استعمال این ماده مخدر به عدم تأثیر جرم‌انگاری بر تمایل عمومی به مصرف این ماده در میان جوانان و کاهش میزان بازداشتی‌های مرتبط با این جرم اذعان نموده و بر لزوم جرم‌زدایی از آن تأکید کرده‌اند. دنیس در مقاله «مراحل اولیه جرم‌زدایی» بر لزوم جرم‌زدایی از رفتارهای غیرزننده و غیرمهم همچون غیبت از مدرسه، همراه داشتن مقدار ناچیز مواد مخدر و الکل و برخی مصادیق غیرضروری برای جرم‌انگاری تأکید ورزیده است. مقاله «جرم‌زدایی، مستندات و ادله» نگاشته جس‌من و همکاران در سال ۲۰۱۸، بر لزوم جرم‌زدایی از جرایمی که جرم‌انگاری آنها ضروری نیست، بر جرم‌زدایی به علت مصونیت از برچسب‌زنی مجرمانه و تلاش برای مصونیت از ابتلا به بیماری‌های واگیردار و خطرناک همچون ایدز تأکید نموده است. مقاله مشترک کاون و لستر با عنوان «پیشنهادهایی برای جرم‌زدایی از خودکشی در غنا، هندوستان و سنگاپور» با تکیه بر عدم تأثیر جرم‌انگاری خودکشی در کاهش آمار خودکشی در سال‌های اخیر و به لحاظ عدم مخالفت خودکشی با وجدان و اخلاق عمومی، خواستار جرم‌زدایی از خودکشی شده و در عوض بر لزوم ارتقای فرهنگ شهروندان جهت جلوگیری از خودکشی تأکید ورزیده است. با این حال، با آنکه جرم‌زدایی با چالش‌های اساسی مانند تضییع حقوق بزه‌دیده، حقوق متهم و ناسازگاری با افکار عمومی و نظرات جانبدارانه گروه‌های اجتماعی فشار هم مواجه است درباره چالش‌های جرم‌زدایی پژوهش‌های کمتری صورت گرفته است.

هدف پژوهش حاضر بررسی چالش‌های موجود در مسیر جرم‌زدایی با تکیه بر اصول و مبانی جرم‌زدایی است. این مقاله به‌طور مشخص در پی پاسخ به این پرسش است که جرم‌زدایی در حقوق کیفری ایران با چه چالش‌هایی روبه‌روست و راهکارهای برون‌رفت از آنها چیست؟ معیارها و شاخص‌های گزینش از میان بدیل‌های جرم‌انگاری کدامند؟ جرم‌زدایی در حقوق کیفری ایران در چه زمینه‌هایی بیشتر قابل تصور و پذیرفتنی است؟ به‌منظور واکاوی این پرسش‌ها، ابتدا چالش‌های فراروی جرم‌زدایی، راهکارهای برون‌رفت از آنها و سرانجام معیارهای انتخاب گزینه جایگزین جرم‌انگاری با تأکید بر حقوق کیفری ایران را بررسی نموده‌ایم.

## ۱- چالش‌های جرم‌زدایی در ایران

جرم‌زدایی با تمام محاسنی که می‌تواند داشته باشد ممکن است با چالش‌های اساسی هم مواجه شود. در ذیل به برخی از مهم‌ترین این چالش می‌پردازیم.

### ۱-۱- آسیب به منافع اقتصادی بزه‌دیده

حمایت از حقوق بزه‌دیده سالیان دراز مورد تأکید حقوق‌دانان بوده است.<sup>۲۶</sup> یکی از نمودهای حمایت از بزه‌دیده پیش‌بینی حق شکایت کیفری است که هزینه آن کم و سرعت رسیدگی به آن بیشتر است که هر دو برای بزه‌دیده امتیاز محسوب می‌شود. البته درخصوص بزه‌دیدگان بزهکار به لحاظ مبانی عدالت روشن نیست تا چه اندازه درست است که امکانات عمومی را صرف حمایت از آنها نماییم. توسل به شکایت کیفری در فرضی قابل طرح است که عمل دارای عنوان مجرمانه باشد؛ در صورت جرم‌زدایی این امتیاز از بزه‌دیده سلب می‌شود؛ این امر به نوبه خود چالشی در مسیر جرم‌زدایی است.

برای رهایی از چالش سلب حمایت از بزه‌دیده با جرم‌زدایی، باید با مقایسه رویکردهای کیفری و غیر کیفری در مقام انتخاب برآمد. به نظر می‌رسد در این حالت مداخله نظام کیفری - با توجه به حمایت قانونی - از این حیث بر سایر انواع کنترل‌ها اولویت داشته باشد، با این حال چون در بسیاری از موارد، سایر ابزارهای کنترل قانونی غیررسمی - هرچند با هزینه‌ای بالاتر اما به گونه‌ای مؤثرتر - همان اهداف حقوق کیفری را برآورده می‌کنند؛ می‌توان با استفاده از نهادهایی همچون عدالت ترمیمی، میانجی‌گری و داوری که دارای کارایی بالا و فاقد پیامدهای منفی جرم‌انگاری هستند، از این چالش رهایی جست؛ در همین زمینه روکسین معتقد است: «حقوق کیفری تنها وسیله مناسب برای حمایت از ارزش‌ها و منافع موجه نیست»<sup>۲۷</sup> درخصوص چالش حاضر باید اذعان نمود، قرار دادن جبران زیان بزه‌دیده بر دوش حقوق کیفری اگرچه در برهه‌ای و پیش از انقلاب حقوق کیفری در قرن هجدهم قابل پذیرش بود؛ ولی از آنجاکه امروزه حقوق کیفری علاوه بر تلاش برای جبران زیان قربانی جرم، رسالت مهم‌تری به نام اجرای عدالت واقعی و برقراری نظم در جامعه را به عهده دارد،

۲۶. عباس شیری، «رفتار کرامت‌مدار با بزه‌دیده، اعطای اختیار در مرحله تحقیق و تعقیب»، در تازه‌های علوم

جنایی، مجموعه مقاله‌ها، به اهتمام علی حسین نجفی ابرندآبادی (تهران: میزان، ۱۳۹۲)، ۴۴۷.

۲۷. رحیم نوبهار، «اصل کاربرد کمیته حقوق کیفری»، مجله آموزه‌های حقوق کیفری، دانشگاه علوم اسلامی

رضوی ۱ (۱۳۹۰)، ۹۴.

باید به محاسبه عقلانی تن داد. با مقایسه عقلانی این دو رسالت روشن می‌شود که برقراری امنیت و نظم در جامعه بر جبران زیان بزه‌دیده اولویت دارد؛ هرچند در جرم‌زدایی، قربانی به حال خود رها نمی‌شود، بلکه صرفاً رویکرد واکنشی جامعه در قبال مرتکب جرم تغییر می‌یابد و بزه‌دیده همچنان با هزینه‌ای بیشتر از قبل به حقوق خود نائل می‌شود. پس برای رهایی از چالش حاضر می‌توان با کاهش هزینه دادرسی نه‌تنها بزه‌دیده را در مطالبه حقوق خود یاری داد بلکه حقوق جزا را نیز در نیل به رسالت والای خود مدد رسانید.

### ۱-۲- نقض حقوق دفاعی متهم

یکی از مسائل اساسی در حقوق کیفری، حقوق دفاعی متهم است. این حق در قالب «اصول دادرسی منصفانه» به‌عنوان یک «هنجار بین‌المللی حقوق بشر»<sup>۲۸</sup> «برای حمایت از افراد در برابر محروم کردن یا محدود نمودن غیرقانونی و خودسرانه از آزادی و حقوق اساسی»<sup>۲۹</sup> به رسمیت شناخته شده است. آموزه‌های اسلامی هم البته بر رعایت این حق تأکید بلیغی دارند. گاه گفته می‌شود: این حق با جرم‌زدایی منتفی می‌شود، زیرا «بسیاری از تضمین‌های دادرسی کیفری، از قبیل اجباری بودن حضور وکیل، تفکیک مرجع تعقیب از تحقیق و رسیدگی، پایبندی به اصل قانونی بودن، حمایت از اصل برائت، حق تفهیم اتهام، ترافیعی بودن و شتاب در رسیدگی قابل‌تعمیم به رویکردهای غیرکیفری نیست».<sup>۳۰</sup>

برای رهایی از این چالش می‌توان اهم حمایت‌های مربوط به دعوی کیفری را به موارد غیرکیفری تعمیم داد. همین رویکرد سبب پیدایش مفهوم «موضوعات کیفری»<sup>۳۱</sup> شده است. درواقع، ضرورت توجه به ملاحظات حقوق بشری و دفاع از شأن و کرامت انسان و حقوق بنیادین وی و تضمین‌های مربوط به تأمین، حفظ و دفاع از این حقوق، مستلزم توسعه شماری از حق‌ها به موارد غیرکیفری است؛ هرچند قلمرو اعمال آنها در مراحل مقدماتی رسیدگی

۲۸. منصور رحمدل، «دادرسی عادلانه و مقررات دادرسی کیفری ایران»، در *تازه‌های علوم جنایی، مجموعه مقاله‌ها*، به اهتمام علی‌حسین نجفی ابرندآبادی (تهران: میزان، ۱۳۹۲)، ۳۱۲.

۲۹. فیروز محمودی‌جانکی، «حق دفاع متهم»، در *علوم جنایی (گزیده مقالات آموزشی برای ارتقای دانش دست‌اندرکاران مبارزه با مواد مخدر در ایران)*، کمیته معاضدت قضایی ستاد مبارزه با مواد مخدر و دفتر مقابله با مواد مخدر سازمان ملل متحد در ایران (تهران: سلسبیل، ۱۳۸۳)، ۱۰۶.

۳۰. یاسمن خواجه‌نوری، «جلوه‌های دادرسی عادلانه در حقوق کیفری کودکان، میزان انطباق لایحه رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان با پیمان‌نامه حقوق کودک»، در *تازه‌های علوم جنایی، مجموعه مقاله‌ها*، به اهتمام علی‌حسین نجفی ابرندآبادی (تهران: نشر میزان، ۱۳۹۲)، ۲۶۹.



کیفری محل بحث و مناقشه است. دیوان اروپایی حقوق بشر برای حمایت از حقوق شهروندان درمقابل دولت و ادارات آن، با تفسیر مستقل و موسّع از مفهوم ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، به‌عنوان «حق بر یک دادرسی منصفانه» و تسری دایره شمول آن به دعاوی و رسیدگی‌های شبه‌کیفری از طریق تعمیم حقوق مندرج در قوانین کیفری به موارد غیرکیفری، حوزه حقوقی جدیدی با عنوان «قلمرو کیفری» پیش‌بینی نموده است.<sup>۳۲</sup>

قلمرو کیفری یا مقوله‌های کیفری، اموری هستند که دولت‌ها ضمانت‌اجرای اداری برای آنها در نظر گرفته‌اند؛ وانگهی ضمانت‌اجراهای اداری هم گاه به‌اندازه مجازات سرکوب‌گرد و باید از تضمین و تأمین‌های حقوق کیفری از قبیل اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها و تضمین‌های دادرسی عادلانه برخوردار شوند.<sup>۳۳</sup>

بنابراین برای جلوگیری از تضییع حقوق متهم می‌توان با پالایش قوانین و بررسی کارشناسانه موضوع از حیث امکان عملیاتی‌سازی تعمیم حمایت‌های پیش‌بینی‌شده در قانون آیین دادرسی کیفری به رویکردهای غیرکیفری و تأمین زیرساخت‌های لازم در راستای رفع این چالش اساسی تلاش نمود.

### ۱-۳- عادی‌سازی رفتار نامطلوب جرم‌زدایی‌شده

جرم‌انگاری یک رفتار به‌خودی‌خود درگذر زمان سبب ایجاد نوعی هنجارسازی می‌شود که به‌موجب آن، عمل جرم‌انگاری‌شده قبیح و نامطلوب قلمداد می‌شود. درمقابل، جرم‌زدایی به مفهوم روانگاری است و زدایش وصف مجرمانه ممکن است موجب بی‌نظمی یا بی‌هنجاری شود. مخالفان جرم‌زدایی از جمله بر این ویژگی تأکید می‌کنند و گاه پیشنهاد می‌دهند که وصف مجرمانه رفتارهای موردنظر همچنان باقی بماند اما در عمل با آنها با تساهل و تسامح رفتار شود. آنها استدلال می‌کنند که مبنای جرم‌انگاری در بسیاری از جرایم، ناسازواری رفتارها با ارزش‌های اخلاقی است و جرم‌زدایی طبعاً سبب بی‌اخلاقی و اضمحلال جامعه می‌شود. آنها شاهد می‌آورند که در کشورهای اروپایی جرم‌زدایی از برخی جرایم جنسی حتی زمینه سوءاستفاده از کودکان و استثمار جنسی را فراهم آورده است.<sup>۳۴</sup>

۳۲. اسدالله یاور، «از حقوق کیفری تا قلمرو کیفری، تسری تضمینات کیفری در دادرسی منصفانه به رسیدگی‌های شبه‌کیفری»، *مجله مطالعات حقوقی* ۷ (۱۳۹۴)، ۲۲۳.

۳۳. مجتبی فرحبخش، *جرم‌انگاری فایده‌گرایانه (جستاری در فلسفه حقوق کیفری)* (تهران: میزان، ۱۳۹۲)، ۲۰۳.

در نقطه مقابل موافقان جرم‌زدایی استدلال می‌کنند که در وقوع جرایم متعددی دخیلند. تا زمانی که ریشه عوامل بزه‌زا خشک نشود، امکان وقوع جرم وجود دارد و این به جرم‌زدایی چندان ارتباط ندارد. آنها شاهد می‌آورند که برای نمونه جرم‌زدایی از مصرف ماری‌جوآنا هیچ تأثیری در میزان مصرف این ماده یا گرایش زودهنگام به آن یا کاهش شمارگان بازداشتی‌ها و زندانیان نداشته است.<sup>۳۵</sup> تحقیقات همچنین نشان می‌دهد که با جرم‌زدایی از مواد مخدر در پرتغال، قیمت آنها نسبت به قبل کاهش نداشته و میزان تقاضا آن‌چنان تغییر نکرده است.<sup>۳۶</sup> پس ادعای اینکه در صورت جرم‌زدایی، رفتار جرم‌زدایی‌شده در جامعه شیوع پیدا می‌کند چندان مستند نیست؛ زیرا نتایج اغلب پژوهش‌های صورت‌رفته بیانگر عدم تأثیر جرم‌انگاری بر پیشگیری و بازدارندگی می‌باشد.

باری برای رفع چالش احتمالی در این حوزه باید توجه نمود که جرم‌زدایی یک رفتار آن را به کلی از شمول کنترل اجتماعی خارج نمی‌کند؛ بلکه نوع کنترل اجتماعی تغییر می‌یابد. کنترل کیفری ممکن است بسته به مورد از کیفری به حقوقی یا اخلاقی و عمومی تبدیل شود. از سوی دیگر ممکن است کنترل‌های اداری جای کنترل کیفری را بگیرد؛ هرچند این ضرورتاً به معنای توسعه دادرسی‌های اداری نیست. توسعه مداخله کیفری دولت سبب تشدید پاسخ‌های سرکوب‌گر، کاهش اختیارات مساعدت‌آمیز مراجع قضایی، توسعه اختیارات نهادهای اجرایی وابسته به دولت و درنهایت فاصله گرفتن از سیاست جنایی مشارکتی و روش‌های مسالمت‌آمیز می‌شود.<sup>۳۷</sup> از منظر مخالفان جرم‌زدایی، اوامر و نواهی، اموری بی‌ارزش و نوعی بیهوده‌کاری خواهند بود؛ درحالی‌که امروزه در اغلب کشورهای دنیا، برای کاهش پیامدهای منفی تورم کیفری و هزینه اقتصادی جرم‌انگاری تلاش شده با کاستن از تعداد عناوین مجرمانه و یا تغییر رویکرد از کیفری به غیرکیفری از طریق جرم‌زدایی با روشی ساده‌تر و کم‌هزینه‌تر از جرم‌انگاری به مقابله با ناهنجاری در جامعه پرداخته شود. بدیهی است با پذیرش این رویکرد چالش حاضر مفهوم خود را از دست خواهد داد. همچنین می‌توان از

Teen Sexting,” *University of Michigan Journal of Law Reform* 46 (2013): 717.

35. Ra Gruzca and M. Vuolo and Mj. Krauss and AD. Plunk, Agrawal A, Chaloupka Fj, Bierut Lj, “Cannabis Decriminalization: A Study of Recent Policy Change in Five U.S States,” *Int J Drug Policy* 59 (2018): 64-75, Accessed 17/03/2019, doi: 10.1016/j.drugpo.2018.06.016. Epub 2018 Jul 17, www.ncbi.nlm.nih.gov/pubmed/30029073, 2018.

36. Jacob Cervený, et.al, “Cannabis Decriminalization and the Age of Onset of Cannabis Use,” *International Journal of Drug Policy* 43 (2017): 122-129.

۳۷. جلیل امیدوی، «ارزیابی انتقادی طرح تشدید مجازات جرایم اخلاقی در امنیت روانی جامعه» در *تازه‌های*

*علوم جنایی*، مجموعه مقاله‌ها، به اهتمام علی‌حسین نجفی ابرندآبادی (تهران: میزان، ۱۳۹۲)، ۴۶.

رهگذر آموزش مردم را متقاعد نمود که جرم‌زدایی ضرورتاً به معنای تحسین و تجویز رفتار جرم‌زدایی شده نیست.

## ۲- گونه‌شناسی شیوه‌های کنترل اجتماعی

مدیریت جامعه از طریق کنترل رفتار شهروندان در سایه حق اعطایی شهروندان وفق نظریه قرارداد اجتماعی ژان ژاک روسو بدیهی است. این قاعده در مورد جرم نیز نمود پیدا می‌کند. جرم چه در جوامع کهن و چه در جوامع مدرن می‌تواند مجموعه‌ای از پاسخ‌ها را به دنبال داشته باشد. مقصود از کنترل اجتماعی مکانیسم‌هایی است که جامعه برای واداشتن اعضایش به سازگاری و جلوگیری از ناسازگاری به کار می‌برد؛ بنابراین پاسخ‌ها می‌توانند حقوقی یا غیرحقوقی باشند. نظام‌های مختلف حقوقی بسته به نظام حکومتی و برخی مؤلفه‌های دیگر هر کدام با اولویت کنترل غیررسمی یا رسمی درصدد کنترل جرم برمی‌آیند. راسکو پاند<sup>۳۸</sup> سه نهاد مهم کنترل اجتماعی را شامل اخلاق، مذهب و قانون می‌داند.<sup>۳۹</sup> از سوی دیگر، کنترل اجتماعی در یک تقسیم‌بندی رایج به رسمی و غیررسمی، اجباری و اقناعی، مستقیم و غیرمستقیم، فردی و جمعی و کنترل در گروه‌های نخستین و ثانوی تقسیم می‌شود.<sup>۴۰</sup> کنترل اجتماعی مجموع وسایل و شیوه‌هایی است که با استفاده از آنها یک گروه یا یک واحد، اعضای خود را به پذیرش رفتارها، هنجارها، قواعدی در سلوک و حتی آداب و رسومی سوق می‌دهد که منطبق با چیزی است که گروه آن را مطلوب تلقی می‌کند.

کنترل رسمی در قالب ضمانت‌اجراهای کیفری، اداری و مدنی مجموعه اقداماتی است که نوعاً با اجبار و الزام‌های برخاسته از ضمانت‌اجرایی دولت‌ها از قبیل مجازات‌های کیفری، واکنش‌های حقوقی و تنبیه همراه است و منابع اقتدار از آنها در مسیر مقابله با جرم و کجروی در جامعه استفاده می‌نماید. این رویکرد که توسط افراد، نهادها و سازمان‌هایی که وظیفه آنها نظارت اجتماعی است، صورت می‌گیرد مبتنی بر عنصر حقوقی و قانونی است و صرفاً هنجارهای رسمی را پوشش می‌دهد؛ درحالی‌که کنترل‌های غیررسمی در بطن زندگی اجتماعی اعمال شده و عموماً فاقد ضمانت‌اجرای شدید است. در این رویکرد، سازکارهایی را

38. Rosco Pound

۳۹. سید محمد حسینی و امید رستمی غازانی، «جنبه‌های حقوقی، فلسفی، سیاسی و جامعه‌شناختی مجازات»،

پژوهشنامه حقوق کیفری ۱۷ (۱۳۹۷): ۱۱۲-۸۹.

۴۰. هدایت‌الله ستوده، آسیب‌شناسی اجتماعی: جامعه‌شناسی انحرافات (تهران: آوای نور، ۱۳۸۶)، ۶۵.

نه از رهگذر قوانین کیفری و سازمان‌های رسمی، بلکه در قالب واکنش‌های سرد احساسی، اعلام تنفر، تذکر، انذار، تهدید و جبران خسارت از طریق متغیرهایی نظیر «ترس از پذیرفته نشدن رفتار در جامعه»، «نگرانی از طرد شدن توسط نزدیکان»، «تأکید بر ثواب و عقاب اخروی»، «تعریف و تمجید از درستکاران» و «ترش‌روی نسبت به مرتکب رفتارهای نامتعارف» مورد توجه قرار می‌دهد.

باید توجه نمود که استفاده از رویکردهای کنترل رسمی و غیررسمی در جوامع صنعتی و سنتی جایگاه یکسانی ندارد. در جوامع سنتی کنترل شهروندان تحت تأثیر عوامل متعددی از قبیل شناخت از همدیگر و دوری از پدیده گمنامی که در جوامع صنعتی و شهرنشین حاکم است بدون نیاز به مجازات و رویکرد قهرآمیز صورت می‌پذیرد. این جوامع به‌ندرت به رویکردهای کنترل رسمی روی می‌آورند، درحالی‌که در جوامع صنعتی اولویت با رویکردهای کنترل رسمی است. طرفداران این رویکرد در گزینش رویکرد کنترلی، اولویت را به راهکارهای موضوع کنترل رسمی می‌دهند؛ درحالی‌که از منظر طرفداران کنترل غیررسمی وظیفه دولت به‌عنوان مجری مجازات در وهله نخست، اعمال مجازات‌های اصلاحی و درمانی است. اگر مجرم قابلیت پذیرش تدابیر اصلاحی و درمانی را نداشته و بر نقض وفاق حاکم بر جامعه اصرار داشته باشد، در گام دوم نوبت به تدابیر حذفی و طردکننده می‌رسد.

این تفاوت در مکاتب فکری و فلسفی مختلف نیز مشهود است؛ از منظر عده‌ای همچون کانت «مجازات خیر بوده و به‌دلیل ارتکاب جرم بر مجرم تحمیل می‌شود»؛ درحالی‌که از منظر عده‌ای دیگر همچون بنتام «هرگونه جزایی منبع شر و فی‌نفسه بد است»، بنابراین رویکردهای غیررسمی در اولویت قرار دارند و اگر در راستای دستیابی به هدفی اعمال مجازات ضرورت پیدا کند، اعمال آن باید حداقلی باشد و در صورت فقدان مصلحت یا برای دفع مفسده می‌توان اجرای مجازات را به‌صورت کامل یا ناقص ترک نمود یا به تأخیر انداخت.<sup>۴۱</sup>

به پیروی از رویکردهای بالا مراکز تصمیم‌گیر و پاسخگو در سطح سیاست‌گذاری جنایی نیز به دو طیف وسیع نهادهای دارای اقتدار رسمی و نهادهای غیردولتی متشکل از جامعه مدنی و بخش خصوصی تقسیم می‌شوند.<sup>۴۲</sup> نحوه نگرش به مرتکب جرم نیز بسته به روشی

۴۱. حسینی و رستمی غازانی، پیشین، ۹۹-۹۷.

۴۲. امیر ایروانیان، «سیاست جنایی، پیشینه تاریخی، ساختار و ویژگی‌ها» در تازه‌های علوم جنایی، مجموعه مقاله‌ها، به اهتمام علی حسین نجفی ابرندآبادی (تهران: نشر میزان، ۱۳۹۲)، ۸۵.

که برای کنترل اجتماعی در نظر گرفته می‌شود، متفاوت است؛ برخلاف نظر طرفداران رویکرد کیفی که معتقد به لزوم کنترل رفتار شهروندان صرفاً از طریق خشونت می‌باشند، طرفداران پیروی از رویکردهای غیرکیفری، بزهکار را شهروندی بازپرورپذیر دانسته، وظیفه دولت‌ها را مدیریت بزهکاری در عین حفظ حقوق اساسی شهروندان، تلاش برای اجتماعی کردن حقوق کیفری و بازپذیری مرتکب می‌دانند<sup>۴۳</sup> و به ارتقای نقش مجموعه نهادهای آموزشی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در کنترل اجتماعی شهروندان تأکید می‌نمایند؛ در این رویکرد استفاده از گفتمان جزایی و تبدیل فضای عمومی زیست شهروندان به فضای کیفری، جای خود را به گفتمان مبتنی بر مباحثه میان شهروندان و سیاست‌گذاران داده، با استفاده از مجموعه وسایل در دسترس طرفین جهت گفت‌ووشنود آزاد، زمینه شکل‌گیری سیاست‌کنترلی مبتنی بر احترام به حقوق شهروندی و عدم‌اغماض از حقوق و آزادی‌های آنها در صورت ارتکاب انحراف یا جرم را فراهم می‌نمایند. در همین راستا وظیفه دولت، حمایت‌های مدنی، فرهنگی از اخلاق و تقویت نهادهای مدنی و اجتماعی مسئول، بدون دخالت کیفری و از رهگذر آموزش و رشد معنویت در جامعه است؛ امری که به‌نوبه خود سبب کاهش خواسته‌های نامشروع افراد می‌شود. در چنین شرایطی دخالت‌های سرکوبگر و کیفری توجیه کمتری داشته، فضا برای گفتگو، آموزش، اشتغال، فرهنگ‌سازی و سایر اقدامات غیرکیفری در سیاست‌گذاری جنایی باز می‌شود.

در جمهوری اسلامی ایران که آموزه‌های فقهی منبع حقوق است، هرگاه قرائت و فهم غالب سیاست‌گذار از مجموعه منابع دینی، فقهی، قانون اساسی و سایر مقررات و قوانین، اصولاً مبتنی بر توجیه قدرت، زور و کاربرد حداکثری و عریان آن در مدیریت امور اجتماعی باشد، الگوی اولویت‌دار برای واکنش به جرایم و انحرافات نیز کیفری خواهد بود؛ اما اگر فهم غالب از منابع مذکور، بر احترام به حقوق و آزادی‌های شهروندان، به‌رسمیت شناختن حق بر حاکمیت شخصی (خودمختاری) و متفاوت بودن آنها مبتنی باشد، اولویت با رویکردهای غیرکیفری خواهد بود.<sup>۴۴</sup>

۴۳. مارک آنسل، *دفاع اجتماعی*، ترجمه محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرندآبادی (تهران: گنج دانش، ۱۳۹۵)، ۱۲۳.

۴۴. حسین غلامی، «اصل حداقل بودن حقوق جزا»، در *دائرةالمعارف علوم جنایی (مجموعه مقاله‌های تازه‌های علوم جنایی)*، به اهتمام علی حسین نجفی ابرندآبادی (تهران: میزان، ۱۳۹۵)، چاپ دوم، ۱۵۲۷-۱۵۲۳.

## ۲-۱- شاخص‌های کاربست کنترل‌های اجتماعی غیرکیفری

حال بحث این است که بر فرض مهیا بودن موجبات جرم‌زدایی، با توجه به تنوع رویکردهای جایگزین از کدامین شیوه‌های کنترل اجتماعی می‌توان برای مدیریت رفتار جرم‌زدایی‌شده بهره جست؛ در این خصوص با توجه به تنوع رویکردهای اجتماعی باید در انتخاب بدیل جرم‌انگاری دقت نمود، زیرا تنوع و تکثر شیوه‌های کنترل اجتماعی که بدیل جرم‌انگاری‌اند در عین فرصت بودن با پیچیدگی‌ها و چالش‌هایی هم همراهند. چه بسا عدم انتخاب صحیح، آسیب‌های بیشتری از جرم‌انگاری به جامعه و شهروندان وارد نماید. از چشم‌اندازی دیگر، درست است که جرم‌انگاری و مجازات در چهارچوبی محدود توان آموزشی و یادآوری ارزش‌های موردقبول جامعه را دارد؛ اما نمی‌توان منکر این حقیقت شد که مجازات در تمامی اشکالش باعث تحمیل درد و رنج بر مرتکب جرم می‌شود و اخلاق و فضیلت با تحمیل درد و رنج و از رهگذر اجبار به دست نمی‌آید. از این حیث جرم‌زدایی به‌نوعی باعث توسعه و ارتقای جایگاه فضیلت در شهروندان می‌شود؛ زیرا شهروندان تمایل دارند سیستم قضایی از رویکردی که دارای وجهه اخلاقی باشد، بهره جوید.

از سوی دیگر، یکی از وظایفی که حکومت‌ها معمولاً برای خود مفروض می‌گیرند ارتقای سطح اخلاقیات در جامعه است. پیداست که توسعه اخلاق در جامعه، زمانی مقبول است که شهروندان با میل و رغبت تن به این قبیل رفتارها دهند. بدیهی است روی آوردن به اخلاق از طریق زور کیفر هیچ نتیجه‌ای نخواهد داشت؛ بدیهی است در صورت جرم‌زدایی این زمینه پدید می‌آید که هراس از ضمانت‌اجرای مادی یا بیرونی کاسته شود یا به‌کلی از میان برود و آزادی شهروند در ترک کژی به‌نوعی افزایش یابد؛ بنابراین، ارتقای اخلاق، معنویت و فضیلت‌های مدنی در جامعه از رهگذر آموزش، تشویق و الگوسازی موفق‌تر است. از منظر اسلام نیز استفاده از کیفر در حاشیه و همچون یک استثناء پذیرفته شده است. آموزه‌های اسلامی بیشتر بر نهادینگی و درونی بودن اخلاق تأکید دارند تا پیگیری آنها از رهگذر الزامات بیرونی و اجباری آن هم در شکل الزامات کیفری. در کشور ما که برابر اصولی چند از قانون اساسی دولت اجماً وظایفی در زمینه ترویج خیر و فضیلت دارد می‌توان به‌جای جرم‌انگاری با تقویت افکار عمومی و نهادینه کردن اخلاق و فضیلت، برای ترویج ارزش‌های مدنی و دینی تلاش کرد.<sup>۴۵</sup>

۴۵. رحیم نوبهار، حمایت حقوق کیفری از حوزه‌های عمومی و خصوصی (تهران: جنگل، ۱۳۸۷)، ۳۲۲.

از سوی دیگر، تاریخ حقوق کیفری بیانگر این حقیقت است که جرم‌انگاری در اغلب مواقع در نیل به اهداف خود موفق نبوده و در بیشتر موارد با افزایش آمار بزهکاری مواجه شده‌ایم. طرفداران جرم‌زدایی با رویکرد الغاگرایی ضمن دفاع از رویکردهای غیررسمی و یا رسمی فاقد جنبه کیفری برآنند که واکنش‌ها باید بر بازپذیری اجتماعی به‌جای محرومیت مبتنی باشد. در معنای عام، الغاگرایان علیه کنترل اجتماعی بحث نمی‌کنند، بلکه «ضمن اعتقاد به لزوم وجود کنترل اجتماعی برای هم‌زیستی مسالمت‌آمیز، از حذف ویژگی‌های تحکّم‌آمیز، سرکوبگر و انعطاف‌ناپذیری نظام‌های رسمی سخن می‌گویند.»<sup>۴۶</sup> کنترل از طریق پیشرفت‌های تکنولوژیکی همچون استفاده از هواپیمای بدون سرنشین، سیستم‌های کنترل چهره‌نگاری، کنترل دقیق مرزها با استفاده از تجهیزات تکنولوژیکی دقیق یا انجام تست دی.ان.ای در کنار اقداماتی همچون ناتوان‌سازی مجرم، از بین بردن فرصت ارتکاب جرم و از بین بردن جذابیت‌های جرم در نظر مجرم در این دسته قرار می‌گیرند.<sup>۴۷</sup> تمایل شهروندان به رهایی از آزادی و علاقمندی به رویکردی که آزادی آنان را کمتر دچار خدشه و محدودیت سازد نیز جزو مهم‌ترین معیارهای لازم برای اتخاذ رویکرد جایگزین می‌باشد. بدیهی است وقتی کنترل رفتار جرم‌زدایی شده به نظام‌های اجتماعی غیرحقوقی واگذار شود، هرگونه کاهش اثر بازدارندگی در نتیجه جرم‌زدایی، می‌تواند از طریق اشکال مثبت بازدارندگی در این نظام‌ها البته به شرط انتخاب درست و عاقلانه رویکرد جایگزین، جبران شود؛ چراکه خطرهای بالقوه ناشی از جرم‌زدایی در مقابل مزایای آن ناچیز است.

تأثیر برخی شاخص‌ها بر انتخاب رویکرد اجتماعی همچون دین و سیاست تقنینی نیز در انتخاب رویکرد جایگزین غیرقابل‌انکار است؛ میزان تأثیرگذاری دین در کنترل اجتماعی تا حدود زیادی بسته به ماهیت واحد اجتماعی و جوّ فرهنگی آن است؛ باور به دین حداقلی یا حداکثری عامل مؤثری برای حضور یا عدم‌حضور دین در نظام کنترل حقوقی می‌باشد، باور به دین حداقلی، قلمرو هنجاری دین را به قلمروی فردی محدود می‌کند. باور حداکثری اما زمینه مساعدتری را برای مداخله دین در نظام حقوقی از جمله حقوق کیفری فراهم می‌کند. البته توفیق رویکردهای غیرکیفری منوط به فراهم شدن زیرساخت‌هایی از جمله تنوع روش‌های غیرکیفری پاسخگو و هماهنگی و همسویی با آنها می‌باشد؛ زیرا «ناسازگاری بین

۴۶. ولی‌اله صادقی، *کیفرزدایی در ایران (نظریه و رویه)*، پیشین، ۴۵.

47. Gary T. Marx, "Technology and Social Control," in *International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences*, Second Edition (Cambridge, MA, USA: Massachusetts Institute of Technology (MIT), 2015), 117.

کنترل‌ها منتهی به خنثی شدن آثار آنها خواهد شد. توسعه سیاست جنایی از مفهوم مضیق به موسع نشان از بهره‌گیری از پاسخ‌های پیشگیرانه، شیوه‌های ترمیمی و میانجیگری و مشارکت جامعه مدنی است.<sup>۴۸</sup>

شنشک<sup>۴۹</sup> در تبیین ویژگی‌های رویکرد موفق کنترل اجتماعی غیرکیفری معتقد است: «اگر تکنیکی از کنترل اجتماعی وجود داشته باشد که در کاهش شیوع یک رفتار نامطلوب موفق بوده و در عین حال کمتر از حقوق کیفری قهرآمیز باشد، باید از فنون جایگزین حقوق کیفری استفاده شود.»<sup>۵۰</sup>

در تحلیل درستی یا نادرستی این مؤلفه باید به نتایج تحقیقات صورت‌گرفته در حوزه رفتارهای جرم‌زدایی‌شده توجه نمود. در سال‌های اخیر به لحاظ عدم موفقیت سیاست‌های اتخاذی برخی دولت‌ها در قبال مصرف مواد مخدر - مخصوصاً مواد مخدر کم‌خطر - و در راستای تلاش برای کاهش هزینه‌های سیستم عدالت کیفری<sup>۵۱</sup>، مصونیت از برچسب‌زنی مجرمانه، کاهش آسیب‌های ناشی از مصرف مواد مخدر، کاهش تعداد مصرف‌کنندگان و جلوگیری از وقوع جرایم مرتبط با مصرف مواد مخدر همچون سرقت برای تأمین پول مواد، سیاست «کاهش آسیب» مورد پذیرش قرار گرفته است. در ایران نیز می‌توان نمودهایی از این رویکرد را در تصمیم‌های وزارت بهداشت و سازمان بهزیستی در تشکیل و راه‌اندازی مراکز درمان سوءمصرف مواد مخدر و اقداماتی همچون متادون‌درمانی مشاهده نمود.

در اندیشه اسلامی نیز نظر به اهتمام اسلام به ساخت یک جامعه اخلاقی که احترام به ارزش‌های اخلاقی از درون آدمیان و نه تهدید و الزامات بیرونی می‌جوشد، رویکردهای غیررسمی کنترل، به لحاظ پیامدهای مثبت بر رویکردهای رسمی ترجیح دارد. البته نمی‌توان نقش محدود آموزشی جرم‌انگاری و این واقعیت که گاه جرم‌انگاری ارزش‌های اجتماعی را بیان می‌کند و می‌تواند یادآور خوبی‌ها و فضایل باشد را انکار کرد؛ اما این به معنای تکیه بر قانون کیفری به مثابه اهرمی برای آموزش نیست. راه‌های آموزش خوبی‌ها و فضیلت‌ها به مردم و پیگیری آنها بسی وسیع‌تر و کارآمدتر از توان محدود جرم‌انگاری است.

۴۸. سید محمد حسینی، سیاست جنایی در اسلام و در جمهوری اسلامی ایران (تهران: سمت، ۱۳۸۳)، ۲۸-

۳۳.

49. J. Schonsheck

۵۰. حسین غلامی، اصل حداقل بودن حقوق جزا، پیشین، ۱۱۲.

۵۱. ایمان رحیمی‌پور و دیگران، «سیاست کاهش آسیب در قبال مصرف مواد مخدر، مطالعه تطبیقی در نظام

عدالت کیفری ایران، پرتغال و کانادا»، مجله پژوهش‌های حقوق تطبیقی ۲۰ (۱۳۹۵): ۹۲-۸۷.



پس می‌توان از مؤلفه‌هایی همچون بازدارندگی، پیشگیری، کارایی بالا، هزینه پایین، حفظ آزادی شهروندان از طریق اعمال اصل حداقلی در جرم‌انگاری، احترام به کرامت انسانی و حق بر مجازات نشدن و پذیرش اصل عدم‌دخالت در حریم خصوصی به‌عنوان مؤلفه‌های مؤثر در تعیین نوع شیوه کنترل اجتماعی بهره‌جست. باری باید هشیار بود که جرم‌زدایی همچون جرم‌انگاری موردی است و شاخص‌های کلی را باید در هر مورد به‌دقت سنجید.

### ۳- ظرفیت‌های جرم‌زدایی در نظام حقوقی ایران

جرم‌زدایی با بافت فرهنگی جامعه‌ای که جرم‌زدایی در آن صورت می‌گیرد، پیوندی انکارناپذیر دارد. ارتباط میان فرهنگ و جرم‌زدایی دوسویه است؛ گاه فرهنگ جامعه جرم‌زدایی در برخی حوزه‌ها را ضروری می‌نماید؛ گاه نیز جرم‌زدایی برای ارتقای سطح فرهنگی شهروندان صورت می‌پذیرد.

همین ارتباط باعث شده جرم‌زدایی در حوزه اخلاق که از حدود دو‌یست سال پیش در اروپا و آمریکا تحت تأثیر وضع فرهنگی و باورهای اعتقادی مردم مطرح شده، در ایران به‌لحاظ فرهنگ دینی با واکنش جدی مواجه شود و چه‌بسا در برخی حوزه‌ها اصلاً قابل طرح نباشد؛<sup>۵۲</sup> زیرا قوانین کیفری ایران به دو دسته تقسیم می‌شوند؛ دسته اول قوانینی است که مقتبس از فقه و آموزه‌های دینی بوده و به‌لحاظ اتصاف به ویژگی‌های ثبات و تغییرناپذیری، تغییر در آنها ناممکن جلوه می‌نماید؛ دسته دوم اما قوانینی است که به‌لحاظ جرم‌انگاری به اقتضای نیازهای زمان در قالب اصل نسبیّت مفهوم جرم قابلیت تغییر دارد. تغییرپذیری این قوانین به اعتبار لزوم انطباق قانون با نیازهای زمان و مکان جهت کارآمدی متصور است.

تحت تأثیر همین ارتباط تنگاتنگ در کشورهایی همچون ایران، جرم‌زدایی از جرایم مبتنی بر توهین به مقدسات و جرایم مبتنی بر ضرر به حیثیت خانوادگی و شخصی در ابعاد مختلف به‌راحتی نمی‌تواند جرم‌زدایی شوند، ولی جرم‌زدایی از جرایمی مانند جرایم مرتبط با تجهیزات ماهواره‌ای، جرایم بدون بزه‌دیده، استعمال مواد مخدر کم‌خطر، تکدی‌گری و سقط جنین تحت شرایط خاص، جرایم صنفی در حوزه امور پزشکی و نظامی، جرایم اداری، جرایم سمعی و بصری، جرایم موضوع حقوق خانواده، حقوق ثبت، حقوق تجارت و حقوق اداری، جرایم غیرعمدی، جرایم مانع، جرایم هم‌پوشان و جرایمی که پوشش و تستر در آنها به‌لحاظ

۵۲. مهرداد رایجیان اصلی، «تبیین استراتژی عقب‌نشینی یا تحدید دامنه مداخله حقوق جزا و جایگاه آن در ایران»، مجله حقوقی دادگستری ۴۱ (۱۳۸۱)، ۹۶.

مبانی اخلاقی و یا مصالح خانوادگی بر تعقیب کیفری اولویت دارد، قابل مطالعه است. حتی اگر برخی از این موارد با تکیه بر مبانی دینی جرم‌انگاری شده باشند، به لحاظ عدم کارآمدی جرم‌انگاری در پیشگیری و بازپروری و کارآمدی روش‌های غیرکیفری نسبت به رویکرد کیفری و بالا بودن هزینه‌های جرم‌انگاری، می‌توان به‌طور موردی در جرم‌زدایی و واگذاری آنها به قلمرو اداری و انتظامی درنگ و تأمل کرد؛ زیرا جرم‌انگاری اصولاً تا اندازه زیادی تابع عنصر مصلحت هم هست.

### نتیجه

دولت‌ها در عمل با اهداف متعددی مانند برقراری نظم و امنیت، اجرای عدالت، جبران خسارت قربانی و ترویج الگوهای اخلاقی اقدام به جرم‌انگاری می‌نمایند. با این حال، ملاحظاتی همچون مقابله با تورم کیفری و تلاش برای کاهش آمار بزهکاری، ناکارایی رویکرد کیفری نسبت به بازپروری و کاهش وقوع جرم، تلاش برای همسویی با موازین بین‌المللی، به رسمیت شناختن حریم خصوصی، تلاش برای کاهش هزینه‌های مادی و معنوی ناشی از جرم‌انگاری، مصونیت از برچسب‌زنی مجرمانه و برخی مؤلفه‌های دیگر دولت‌ها را به سوی سیاست جرم‌زدایی سوق می‌دهد؛ تجربه اجتماعی گاه در عمل نشان می‌دهد که جرم‌انگاری به مصلحت نبوده یا در عمل موفق و کارآمد نبوده است. این تجربه اجتماعی را همچون امری عقلانی نمی‌توان یکسره نادیده گرفت. با این حال جرم‌زدایی گاه با چالش‌هایی مواجه می‌شود. جرم‌زدایی ممکن است به برخی از حقوق متهمان آسیب برساند. در این گونه موارد، باید از طریق طرح بحث قلمرو کیفری که به موجب آن امکان تعمیم تضمین‌های دادرسی کیفری به دادرسی‌های غیرکیفری وجود دارد، مانع تضییع حقوق متهم شد. همچنین جرم‌زدایی ممکن است به لحاظ بالا بودن هزینه طرح دعاوی غیرکیفری باعث تضییع حقوق شاکی شود؛ می‌توان با پیش‌بینی راهکارهایی همچون میانجیگری کیفری یا تکیه بر عدالت ترمیمی مانع تحمیل هزینه و متعاقباً زیان شاکیان شد. به شرحی که گذشت، انتخاب دقیق شیوه کنترل اجتماعی جایگزین به جای جرم‌انگاری، حساسیت‌های خود را دارد. همچون خود جرم‌انگاری که امری موردی است انتخاب بدیل جرم‌انگاری نیز موردی است. انتخاب بدیل از میان همه شیوه‌های کنترل رسمی و غیررسمی باید با محاسبه دقیق صورت گیرد. انتخاب در این مرحله از خود جرم‌انگاری آسان‌تر نیست؛ زیرا جرم‌زدایی کارآمد و مناسب، پیوسته نیازمند شناخت ظرفیت‌ها و نیازهای تقنینی زمانه از یک سو و توجه به فرهنگ و عقاید جامعه از جمله باورها و

عقاید دینی از سوی دیگر است؛ بنابراین، باید با در نظر گرفتن اصولی همچون کارآمدی بالا، هزینه پایین، ارزش‌گذاری به حریم خصوصی و کرامت انسانی روشی را برگزید که بتواند به بهترین شیوه نظم و امنیت را برقرار و خسارت قربانی را جبران نماید. در این باره نقش تجربه‌هایی که در جریان عمل به‌دست می‌آید، بسی ارزشمند است. توجه به این تجربه‌ها به‌نوبه خود می‌طلبد تا جرم‌انگاری و حتی جرم‌زدایی در چهارچوب رعایت موازین شرعی، به‌طور مستمر ارزیابی شود. به شرحی که آمد نظام عدالت کیفری در ایران ظرفیت‌های مناسبی برای جرم‌زدایی و تغییر شیوه کنترل اجتماعی سخت به نرم دارد. به‌ویژه اکنون که جمعیت کیفری بر بدنه نظام عدالت کیفری سنگینی می‌کند، جرم‌زدایی موردی و حسابگرانه یک ضرورت است.



## فهرست منابع

### الف. منابع فارسی

- آنسل، مارک. *دفاع اجتماعی*. چاپ پنجم. ترجمه محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرندآبادی. تهران: گنج دانش، ۱۳۹۵.
- احسان‌پور، سید رضا، و سید محمدرضا احسان‌پور. «توجهات جرم‌زدایی از مصرف مواد مخدر آرام؛ مطالعه تطبیقی در حقوق کیفری هلند و ایالات‌متحده آمریکا». *فصلنامه حقوق پزشکی* ۳۹ (۱۳۹۵): ۱۹۹-۱۷۱.
- امیدی، جلیل. «ارزیابی انتقادی طرح تشدید مجازات جرایم اخلال در امنیت روانی جامعه» در *تازه‌های علوم جنایی*، مجموعه مقاله‌ها. به اهتمام علی حسین نجفی ابرندآبادی، ۴۵-۵۶. تهران: میزان، ۱۳۹۲.
- ایروانیان، امیر. «سیاست جنایی، پیشینه تاریخی، ساختار و ویژگی‌ها» در *تازه‌های علوم جنایی*، مجموعه مقاله‌ها، به اهتمام علی حسین نجفی ابرندآبادی، ۵۷-۱۰۲. تهران: میزان، ۱۳۹۲.
- بابایی، محمدعلی، میثم غلامی و فاطمه‌السادات هاشمی دمنه. «ارزیابی سیاست جرم‌زدایی قانون برنامه پنجم توسعه در قانون مجازات اسلامی». *آموزه‌های حقوق کیفری* ۸ (۱۳۹۳): ۸۷-۱۱۸.
- بنی‌نعیمه، عیسی و اکبر وروایی. «جستاری بر راهبردهای کنترل کیفری جرایم حوزه کسب‌وکار». *مجله مطالعات حقوقی* ۲ (۱۳۹۷): ۷۷-۵۳.
- جعفری، مجتبی. *جامعه‌شناسی حقوق کیفری (رویکرد انتقادی به حقوق کیفری)*. چاپ اول. تهران: میزان، ۱۳۹۲.
- حسینی، سید محمد. *سیاست جنایی در اسلام و در جمهوری اسلامی ایران*. چاپ اول. تهران: سمت، ۱۳۸۳.
- حسینی، سید محمد و امید رستمی غازانی. «جنبه‌های حقوقی، فلسفی، سیاسی و جامعه‌شناختی مجازات». *پژوهشنامه حقوق کیفری* ۱۷ (۱۳۹۷): ۸۹-۱۱۲.
- خواججه‌نوری، یاسمن. «جلوه‌های دادرسی عادلانه در حقوق کیفری کودکان، میزان انطباق لایحه رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان با پیمان‌نامه حقوق کودک» در *تازه‌های علوم جنایی*، مجموعه مقاله‌ها، به اهتمام علی حسین نجفی ابرندآبادی، ۲۶۷-۲۸۰. تهران: میزان، ۱۳۹۲.
- رایجیان‌اصلی، مهرداد. «تبیین استراتژی عقب‌نشینی یا تحدید دامنه مداخله حقوق جزا و جایگاه آن در ایران». *مجله حقوقی دادگستری* ۴۱ (۱۳۸۱): ۱۲۰-۹۳.
- رحمدل، منصور. «دادرسی عادلانه و مقررات دادرسی کیفری ایران» در *تازه‌های علوم جنایی*، مجموعه مقاله‌ها، به اهتمام علی حسین نجفی ابرندآبادی، ۳۱۱-۳۲۸. تهران: میزان، ۱۳۹۲.
- رحیمی‌پور، ایمان، محمدجعفر حبیب‌زاده، سید مصطفی محقق‌داماد و محمد فرجیها. «سیاست کاهش آسیب در قبال مصرف مواد مخدر مطالعه تطبیقی در نظام عدالت کیفری ایران، پرتغال و کانادا». *مجله پژوهش‌های حقوق تطبیقی* ۲۰ (۱۳۹۵): ۱۱۰-۸۴.

- ستوده، هدایت‌الله. *آسیب‌شناسی اجتماعی: جامعه‌شناسی انحرافات*. چاپ اول. تهران: آوای نور، ۱۳۸۶.
- شمعی، محمد. *درآمدی بر جرم‌نگاری و جرم‌زدایی*. چاپ اول. تهران: جنگل، ۱۳۹۲.
- شمعی، محمد و سارا شهباز. *جرم‌نگاری حداکثری*. چاپ اول. تهران: جنگل، ۱۳۹۴.
- شیری، عباس. «رفتار کرامت‌مدار با بزه‌دیده، اعطای اختیار در مرحله تحقیق و تعقیب» در *تازه‌های علوم جنایی، مجموعه مقاله‌ها*، به اهتمام علی حسین نجفی ابرندآبادی، ۴۶۴-۴۴۷. تهران: میزان، ۱۳۹۵.
- صادقی، ولی‌الله. *کیفرزدایی در ایران (نظریه و رویه)*. چاپ اول. تهران: مجد، ۱۳۹۷.
- غلامی، حسین. «اصل حداقل بودن حقوق جزا» در *دایرةالمعارف (مجموعه مقاله‌های تازه‌های علوم جنایی)*، به اهتمام علی حسین نجفی ابرندآبادی، ۱۵۲۷-۱۵۲۳. چاپ دوم. تهران: میزان، ۱۳۹۵.
- فرحبخش، مجتبی. *جرم‌نگاری فایده‌گرایانه (جستاری در فلسفه حقوق کیفری)*. چاپ اول. تهران: میزان، ۱۳۹۲.
- قماش، سعید. *کرامت انسانی و نقش آن در جرم‌نگاری*. چاپ اول. تهران: میزان، ۱۳۹۳.
- کاظمی جویباری، مهدی. «تحلیل اقتصادی راهبرد پس‌روی کیفری». در *دانشنامه علوم جنایی اقتصادی*، به اهتمام امیرحسین نیازپور، ۱۷۸-۱۷۳. تهران: میزان، ۱۳۹۶.
- کوشا، جعفر و آذر علی‌نژاد. «تحریک به خودکشی؛ جرم‌نگاری یا جرم‌زدایی». *مجله تحقیقات حقوقی* ۶۴ (۱۳۹۲): ۱۷۰-۱۵۱.
- گلدوست جویباری، رجب. «توسعه قضایی و حقوق متهمان» در *تازه‌های علوم جنایی (مجموعه مقاله‌ها)*، کتاب اول، به اهتمام علی حسین نجفی ابرندآبادی، ۶۵۶-۶۴۵. چاپ دوم. تهران: میزان، ۱۳۹۲.
- محمودی، جواد. «قضازدایی و جرم‌زدایی از منظر قانون اساسی و حقوق اداری». *مجله تخصصی الهیات و حقوق* ۱۹ (۱۳۸۵): ۱۲۱-۱۰۵.
- محمودی‌جانکی، فیروز. «جرم‌زدایی به‌منزله یک تغییر». *مجله تحقیقات حقوقی خصوصی* ۱ (۱۳۸۷): ۳۵۰-۳۲۱.
- محمودی‌جانکی، فیروز. «حق دفاع متهم» در *علوم جنایی (گزیده مقالات آموزشی برای ارتقای دانش دست‌اندرکاران مبارزه با مواد مخدر در ایران)*، کمیته معاضدت قضایی ستاد مبارزه با مواد مخدر و دفتر مقابله با مواد مخدر سازمان ملل متحد در ایران، ۱۰۷-۱۰۶. تهران: سلسبیل، ۱۳۸۳.
- مرادی، حسن و ولی‌الله صادقی. «کیفرزدهای نسل اول در بوته ارزیابی گسترده». *فصلنامه تعالی حقوق* ۲۰ (۱۳۹۷): ۱۶۳-۱۲۹.
- میرمحمدصادقی، حسین و محمد احمدی. «قلمرو جرم‌نگاری و جرم‌زدایی». *دوفصلنامه گتتمان حقوقی* ۳۱ (۱۳۹۶): ۷-۳۶.
- نظری توکلی، سعید احسان‌پور و سعید رضا احسان‌پور. «بررسی مبانی فقهی جرم‌زدایی از مصرف مواد مخدر آرام». *فصلنامه فقه پزشکی* ۲ (۱۳۸۹): ۱۴۱-۱۰۵.
- نوبهار، رحیم. «اصل کاربرد کمیته حقوق کیفری». *آموزه‌های حقوق کیفری* ۱ (۱۳۹۰): ۹۱-۱۱۴.
- نوبهار، رحیم. *حمایت حقوق کیفری از حوزه‌های عمومی و خصوصی*. چاپ اول. تهران: جنگل، ۱۳۸۷.

هادی تبار، اسماعیل و عادل علیپور. «جرم‌زدایی از جرایم ولگردی و تکدی‌گری». آموزه‌های حقوق کیفری ۷ (۱۳۹۳): ۱۴۶-۱۲۷.

یاوری، اسدالله. «از حقوق کیفری تا قلمرو کیفری، تسری تضمینات کیفری در دادرسی منصفانه به رسیدگی‌های شبه کیفری». *مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز* ۲ (۱۳۹۴): ۲۵۸-۲۲۱.

## ب. منابع خارجی

Baker, Edwin L. *Decriminalization of Non Serious Offenses*. 1<sup>st</sup> Ed. Honolulu, Hawaii: Legislative Reference Bureau, 2005.

Blair Woods, Jordan. "Decriminalization, Police Authority, and Routine Traffic Stops." *UCLA Law Review* 62 (2015): 673-759.

Červený, Jacob, et.al. "Cannabis Decriminalization and the Age of Onset of Cannabis Use." *International Journal of Drug Policy* 43 (2017): 122-129.

Dennis, Andrea L. "Decriminalizing Childhood." *Fordham Urban Law Journal* 45(1) (2017): 1-44.

Grucza, R. A., Vuolo, M., Krauss, M. J., Plunk, A. D., Agrawal, A., Chaloupka, F. J., & Bierut, L. J. "Cannabis Decriminalization: A Study of Recent Policy Change in Five U.S. States." *International Journal of Drug Policy* 59 (2018): 67-75. <https://doi.org/10.1016/j.drugpo.2018.06.016>.

Hall Wayne, and Lucke Jayne. "Drug Decriminalization and Legalization, Interventions for Addiction." 689-694. 2013. <http://dx.doi.org/10.1016/b978-0-12-398338-1-00070-1>.

Isajanyan, Nerses. "Russian Federation: Decriminalization of Domestic Violence." The Law Library of Congress, Global Legal Research Center, 2017.

Jesseman, Rebecca, and Doris Payer. "Decriminalization: Options and Evidence." Canadian Center on Substance Use and Addiction, 2018.

Kahn, Deborah, and David Lester. "Efforts to Decriminalize Suicide in Ghana, India and Singapore." *Sociology Online; Open Access Journal* 4 (2013): 96-104.

Kreit, Alex. "The Decriminalization Option: Should States Consider Moving from a Criminal to a Civil Drug Court Model?." *University of Chicago Legal Forum* (2010): 298-336.

Lampe, Joanna R. "A Victimless Sex Crime: The Case for Decriminalizing Consensual Teen Sexting." *U. Mich. J. L. Reform* 46 (2013): 703-736. <https://repository.law.umich.edu/mjlr/vol46/iss2/18>.

Lopez, German. "Marijuana Has Been legalized in 10 States and Washington D.C." Updated Jun 25, 2019. [www.vox.com/identities/2018/8/20/17938336](http://www.vox.com/identities/2018/8/20/17938336) (Accessed 2019).

Luna, Erik. "Prosecutorial Decriminalization." *Journal of Criminal Law and Criminology, Symposium on Overcriminalization* 102(3) (2012): 785-819.

Marx, Gary T. "Technology and Social Control." In *International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences*, 2<sup>th</sup> Edition, 117-124. Cambridge, MA, USA: Massachusetts Institute of Technology (MIT), 2015.

Nesbitt, Charles, & Stephen Acquario. "Making Marijuana Legal in New York State." (2019): 2-14. Accessed January 2019, [www.nysac.org](http://www.nysac.org).

Soron, Rashid Tanjir. "Decriminalization Suicide in Bangladesh." *Asian Journal of Psychiatry* (2019). Received 20 December 2018. 1876-2018/c 2018 elsevier b.v. 92-91.